

مهر خاتم: بررسی ویژگی‌های مهر پیامبر ص

محمدصادق میرزا ابوالقاسمی^۱

حسنعلی پورمند^۲

محمود طاووسی^۳

چکیده: مهر خاتم در اواخر سال ششم یا اوایل سال هفتم هجری برای ممهور کردن نامه‌های پیامبر به حکام سرزمین‌های همجوار، ساخته و پرداخته شد. این مهر ظاهراً از نوع انگشتری و شکل صفحه‌نگین آن مدور بوده است و بر آن در سه سطر عبارت «محمد رسول الله» را نقش کرده بودند؛ جنس و نگین آن نیز از سنگ حبشی تا انواعی از فلزات چون مس و آهن و نقره روایت شده است. پس از وفات پیامبر ص این مهر ابتدا به ابوبکر و سپس عمر و عثمان رسید و آن‌ها نیز نامه‌ها و مکاتبات خود را بدان اعتبار می‌بخشیدند. مهر خاتم در حدود سال سی ام هجری در چاه آریس (نزدیکی مدینه) افتاد و دیگر به دست نیامد، اما عثمان نظیرش را ساخت و مهر معمول خلافت داشت. با این حساب جز نامه‌های شخص پیامبر ص، بخشی از نامه‌های خلفای راشدین نیز ممهور به مهر حقیقی پیامبر ص بوده است؛ مکاتباتی که اگر نمونه‌ای اصیل از آن‌ها به دست آمده بود، لااقل اثر مهر خاتم را به ما نشان می‌داد. اوصاف این مهر در متون متقدم اسلامی نشان از نخستین اقدامات و ضروریات تشکیل نظام دیوانی در صدر اسلام است؛ همچنین استفاده از نوشتار جای تصویر، شکل مدور، ترکیب سه - سطری، و شعارهای مذهبی از این‌جا در مهرهای اسلامی تجربه شده و در سراسر دوران تاریخی اسلام تداوم یافته است. ویژگی‌های مهر خاتم در مقاله پیش رو با روش تحقیق تاریخی - توصیفی، بررسی و تحلیل شده است.

واژه‌های کلیدی: خاتم پیامبر ص، مهر، آداب مهرنویسی، دوران اسلامی

abolqasemi.s@gmail.com
hapourmand@yahoo.com
tavooosimahmoud@yahoo.com

۱ استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز

۲ استادیار دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس

۳ استاد دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۰۴ تاریخ تأیید: ۹۲/۰۴/۰۱

Khatam: The Prophet's Seal

Mohammad Sadegh mirzaabolghasemi¹

Hassan Ali Poormand²

Mahmood Tavoosi³

Abstract: In the late sixth or the early seventh year A.H, the Prophet's Seal was made for sealing his letters to the governors of neighboring lands. This seal was round and a kind of ring seals on which the phrase "محمد رسول الله" had been carved in three lines. Its material and gem as it has been narrated was of Abyssinian stone and different metals such as Copper, Iron and Silver. After the decease of the Prophet, this seal was obtained by Abu-Bakr, Omar and Osman to validate their letters and writings. In about the year 30 A.H, the Prophet's Seal fell in to the Aris Well (nearby Medina). This seal was no longer found but a similar one was made by Osman. So some of the Caliph's letters were sealed by the real Khatam in addition to those sealed letters the Prophet. The features of this seal in the old Islamic texts indicate the first measures and necessities for a governmental system in the early years of Islam. The use of writing instead of image, round form, three line composition and religious slogans have been used in Islamic seals since this point in time and was continued during the historical era of Islam..

Keywords: the Prophet's Seal, Seal, Seal rituals, Islamic era

1 Assistant Professor, Faculty of Art and Architect, Shiraz university

2 Assistant Professor, Faculty of Art, Tarbiat Modares university

3 Professor, Faculty of Art Tarbiat Modares university

abolqasemi.s@gmail.com

hapourmand@yahoo.com

tavoosimahmoud@yahoo.com

مقدمه

اطلاع ما از مهرهای نخستین اسلامی بسیار اندک است، چون آثار بسیار اندکی از آنها در دست است؛ تعیین تاریخ دقیق و تشخیص هویت درست صاحبان همین اندک نیز به سختی میسر است.^۱ با این حال از محتوای متون تاریخی می‌توان اوصاف چندی از مهرهای نخستین اسلامی را شناخت. این شناخت بیشتر از گزارش متقدمان تاریخ‌نویسی اسلامی همچون طبری و مسعودی و بلاذری ممکن شده است. از قضا اینان برخی وجوه دیوانی حکام ایران و روم را نیز برشمرده‌اند و از نام و کارایی چندی از مهرهای آنان آگاه بوده‌اند. امروزه محققان با استناد به این گفته‌ها و بررسی نمونه‌های موجود، شکل‌گیری سازمان اداری امویان و عباسیان را تا اندازه زیادی در گرو دستگاه دیوانی ساسانی، حتی بیزانس، می‌دانند. طبیعتاً نظریه ساخت و پرداخت مهرهای متقدم اسلامی نیز از این دیدگاه تبعیت می‌کند.

فصل مشترک غالب این متون از تشکیل نخستین مهر اسلامی، گرد مهر پیامبر^ص می‌گردد و شامل تعریف ویژگی‌های ظاهری آن اعم از شکل و جنس و سجع و غیره می‌شود؛ همچنین می‌توان علت استفاده پیامبر از مهر و نحوه استنباط تاریخ‌نویسان از این واقعه را در متون دنبال کرد. تاریخ آغاز و سرانجام مهر خاتم نکته شایان توجه دیگری است که در متون متقدم اسلامی از آن سخن رفته است. بررسی این ویژگی‌ها و تعیین اختلاف نظرها در این باره، مسئله پیش روی مقاله حاضر است. همچنین تلاش می‌شود تا تأثیرات کلی ویژگی‌های مهر پیامبر^ص - در مقام نخستین مهر اسلامی - در آداب مهرنویسی اسلامی نشان داده شود.

۱ معرفی مهر عرب - ساسانی قصر ابونصر (Richard Fry(1973), *Sasanian Remains from Qasr-i Abu Nasr*:

Seals, Sealins and Coins, Cambridge: Harvard University Press, 42ff

هرمزدان» که از حفاری‌های معبد آناهیتا در کنگاور به دست آمده (عبدالله قوچانی (۱۳۸۵)، «قدیم‌ترین مهر نوشته‌دار

دوران اسلامی از یک حاکم ساسانی»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، ش ۲۰، صص ۸۲-۹۷)، اثر گل‌مهره متعلق به

عمرو بن عاص، زمانی که فرمانده سپاه اسلام در مصر بود (حدود ۲۲ق) (Priscilla Soucek(2002). "Early Islamic

seals: Their Artistic and cultural Importance", *Leaving No Stones Unturned: Essays on the Ancient*

Near East and Egypt, Honor of Donald P. Hansen, p 247)، همچنین مهر مکشوفه از حیفا که به عبدالملک بن

مروان نسبت داده شده است (Soucek, 2002, p248)، از مهم‌ترین نمونه‌های معرفی شده از مهرهای نخستین اسلامی

به حساب می‌آید. همچنین برای آگاهی از مهرها و نگین‌های سده‌های نخستین اسلامی نگاه کنید به:

Ludvik Kalus(1986), *Catalogue of Islamic seals and talismans*, Oxford: Oxford University

press(Clarendon Press).

A H. Morton(1985), *A catalogue of early Islamic glass stamps in the British Museum*, London: British

Museum.

Venetia Porter(2011), *Arabic and Persian Seals and Amulets in the British Museum*, London: British

Museum Press.

Marian Wenzel(1993), *Ornament and Amulet, Rings of the Islamic World. The Nasser D. Khalili*

Collection of Islamic Art, Vol. 16. London and Oxford: The Nour Foundation, Azimuth Editions, and

Oxford University Press.

دوران تاریخی و علت استفاده پیامبر از مهر

همان‌طور که پیش از این نیز آمد، قدیمی‌ترین استناد ما به مهرهای اسلامی، روایت متون از مهر پیامبر اسلام^ص است؛ زمانی که می‌خواست به ایران، روم یا سایر بلاد باستان، نامه بنویسد و آن‌ها را به اسلام بشارت دهد. البته این صرفاً گزارشی تاریخی است؛ نه آنکه مهری از ایشان موجود باشد یا اثری اصیل از آن تاکنون به دست آمده باشد. *نوروزنامه* جزو محدود منابعی است که علت اختیار مهر خاتم و استفاده از آن را با واقعه نامه بدون مهر پیامبر به خسرو پرویز مربوط دانسته است و در این باره آورده است «و پیغامبر صلی الله علیه و سلم - انگشتی به انگشت اندر آورد و نامه‌ها که فرستادی به هر ناحیتی به مهر فرستادی؛ سبب آن بود که نامه او بی مهر به پرویز رسید و گفت: نامه بی مهر چون سر بی کلاه بود و سر بی کلاه انجم را نشاید و چون نامه مهر ندارد هر که خواهد، برخواند و چون مهر دارد آن کس خواند که بدو فرستاده باشند»^۱.

در *نوروزنامه* از جسارت خسرو پرویز و پاره کردن دعوت نامه پیامبر^ص سخنی نرفته است؛ اما بسیار مشهور است که او نامه را از خشم پاره پاره کرد، چون در آن، نام پیامبر^ص پیش از نام پادشاه نوشته شده بود. تقریباً هیچ‌یک از متونی که این روایت مشهور را نقل کرده‌اند، به بود یا نبود مهر پیامبر اسلام بر نامه مذکور اشارتی نکرده‌اند، اما بر نامه مکشوفه و بحث‌انگیز پیامبر^ص به خسرو پرویز اثر مهری نقش شده است، که ظاهراً باید مهر پیامبر باشد.^۲ کشف نامه پیامبر^ص به حاکمان ممالک جهان مسبوق به سابقه است و تاکنون چند نمونه دیگر آن نیز شناخته شده است.^۳ بر غالب این نامه‌ها نیز نقش مهری دیده شده است.

۱ حکیم عمر خیام نیشابوری (۱۳۸۰)، *نوروزنامه*، تصحیح و تحشیه مجتبی مینوی، تهران: انتشارات اساطیر، صص ۲۰-۲۱.
 ۲ این نامه را نخستین‌بار دکتر صلاح‌الدین منجد، نسخه‌شناس و آگاه از خطوط نخستین اسلامی، معرفی کرد و با استناد به خط و آزمایش‌های باستان‌شناختی کربن ۱۴ بر اصالت آن تصریح کرد. گویا این نامه در چند نوبت برای فروش به سازمان میراث فرهنگی و مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران پیشنهاد شده و عبدالله قوچانی از جعلی بودن آن سخن گفته است. او در مقاله‌ای با عنوان «در حاشیه نامه پیامبر» - و در نقد مقاله‌ای دیگر - شواهد خود بر این ادعا را برشمرده است (عبدالله قوچانی (۱۳۷۴)، «در حاشیه نامه پیامبر به خسرو پرویز»، *میراث جاویدان*، ش ۹، ص ۴).
 در این مقاله سادگی و روانی خط، تناقض فرسودگی لبه‌های نامه با سطر بندی کامل آن، محتوای متن، و عدم اطمینان به نوع آزمایش کربن ۱۴ از جمله علت‌های جعلی بودن این نامه فرض شده؛ و مهم‌تر از همه به نقل از کتاب *تاریخ بغداد* / *او مدینه الاسلام* جنس نامه پیامبر از استخوان دانسته شده، حال آنکه نامه مذکور بر چرم نوشته شده است (ابوبکر احمد خطیب بغدادی (۱۳۴۹ق)، *تاریخ بغداد* / *او مدینه الاسلام*، ج ۱، بیروت: دارالکتب العربی، ص ۱۳۲).
 ۳ نامه‌های پیامبر (ص) به هرقل، قیصر روم، خسرو پرویز، پادشاه ایران، منذرین ساوی، حاکم بحرین، مقوقس، حاکم قبط، و نجاشی، حاکم حبشه، از این جمله است.

صحت و سقم این نامه‌ها بارها محل بحث محققان بوده، به‌ویژه آنکه روایت نامه‌های پیامبر از قدیم‌الایام در متون عربی و غیرعربی بازتاب گسترده‌ای داشته است.^۱ بررسی موشکافانه ویژگی‌های درونی و بیرونی نامه‌های منسوب به پیامبر^ص، بحثی مفصل است و جایش این‌جا نیست، اما شائبه جعلی بودن این نامه‌ها در میان محققان مطرح شده است.^۲ برای ما همین بس که شکل و تحریر سجع مهر پیامبر^ص در این نامه‌ها - با بررسی تصاویر موجود - از هم مختلف است و جایی از این اختلاف صحبت نشده است. پس جای آن هست که لااقل در اصالت اثر مهر پیامبر^ص بر این نامه‌ها تشکیک کنیم.

اما در متون قدیمی‌تر و معتبر اسلامی شکل‌گیری مهر خاتم بیشتر در نسبت با نامه مخصوص پیامبر^ص به قیصر روم - نه خسرو پرویز - مطرح شده است؛ مثلاً بخاری و مسلم نقل کرده‌اند: چون پیامبر^ص خواست نامه‌ای به قیصر روم بنویسد، او را گفتند که مردم غیر عرب نامه بدون مهر را وقعی نمی‌نهند و نمی‌خوانند؛ از این رو پیامبر^ص مهری برای خود اختیار کرد.^۳ در فتوح البلدان نیز علت پیدایی مهر پیامبر نوشتن نامه به حاکم روم عنوان شده است.^۴ محتوای کلی گفتار اخیر با بخشی از روایت نوروزنامه نزدیک می‌نماید؛ به شرطی که تقدم نامه‌های پیامبر به سران ممالک همجوار را با ایران، و سپس روم فرض کنیم. با این حساب تاریخ ساخت مهر خاتم را می‌توان بعد از نامه پیامبر^ص به خسرو پرویز و پیش از نامه ایشان به حاکم سرزمین بیزانس دانست.

صاحبان صحیحین هریک فصلی در امر خاتم دارند و مجموعی از روایات معتبر درباره مهر پیامبر^ص را گردآوری کرده‌اند. ضمن همین مباحث است که علت اختیار مهر خاتم، مکاتبه با قیصر روم بیان شده است. همینان روایاتی نیز نقل کرده‌اند که در آن‌ها علت استفاده پیامبر^ص از مهر، نوشتن نامه به حاکمان اطراف و اکناف عنوان شده است. در این گفته‌ها عیناً

۱ نگاه کنید به: علی احمدی میانجی (۱۳۷۶)، مکاتیب الرسول، ۴، قم: موسسه فرهنگی دارالحدیث؛ محمد حمیدالله (۱۳۶۵)، وثائق (نامه‌های حضرت ختمی‌مرتبت و خلفای راشدین)، ترجمه و تحشیه محمود مهدوی دامغانی، تهران: بنیاد.

۲ برای آگاهی از میزان اعتبار نامه‌های مکشوفه از پیامبرص نگاه کنید به منابعی در این باره که در حواشی کتاب وثائق معرفی شده است (حمیدالله (۱۳۶۵)، همان، صص ۸۱، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۷۲).

۳ محمدبن اسماعیل البخاری (۱۴۲۴ق)، صحیح البخاری، تصحیح محمد فواد عبدالباقی، بیروت: دار ابن حزم، ص ۱۱۰۶؛ ابوعیسی محمدبن عیسی ترمذی (۱۳۸۶)، شمائل النبی، ترجمه و تحشیه محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات نی، ص ۹۳۴.

۴ احمدبن یحیی بلاذری (۱۳۴۶)، فتوح البلدان (بخش مربوط به ایران)، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ص ۳۶۵؛ عبدالرحمان بن خلدون (۱۳۷۱)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگ، ج ۱، ص ۵۰۵.

واژگان «الاعاجم» و «العجم» به کار رفته است؛^۱ حتی ترمذی و مسلم در روایتی عجمیان را «کسری و قیصر و النجاشی» خوانده‌اند.^۲

جز گفته‌های اخیر درباره علت استفاده پیامبر^ص از مهر در نوشتن و ارسال نامه برای حاکمان همجوار سرزمین حجاز، نظراتی دیگر نیز در این باره مطرح شده است؛ مثلاً در *تاریخنامه طبری* آمده است: چون مکاتبات پادشاهان عجم به پیامبر^ص با مهر همراه بود، پیامبر نیز فرمود تا برای او مهری بسازند و از این پس نامه‌های خود را مهر می‌کرد؛^۳ یا گفته‌اند: چون معاذبن جبل از یمن پیش پیامبر^ص بازگشت، در دست خود انگشتی داشت و پیامبر از آن سوال کرد. معاذ گفت: برای حفظ امانت نامه‌هایی که به مردم می‌نوشتیم، آن را ساختم و بدان نامه‌ها را مهر می‌کردم. نقش این مهر «محمد رسول الله» بود؛ از همین رو پیامبر^ص انگشت را از او گرفت و در دست خود کرد و با آن مکاتبات خود را مهور می‌فرمود.^۴ این دست‌نظرات می‌تواند در تعیین مفاد و اصالت نامه‌های پیامبر مورد استناد قرار می‌گیرد، اما برای ما نیز اهمیت بسیاری دارد، چون ضمن بیان دیدگاه‌های مختلف درباره علت استفاده پیامبر^ص از مهر، به تعیین نسبی تاریخ ساخت مهر خاتم خواهد انجامید.

گویا پیامبر^ص بعد از صلح حدیبیه، اقدام به نوشتن نامه به سران ممالک کرده است. صاحب *طبقات الکبیر* از شش فرستاده و نامه پیامبر در این باره خبر داده و گفته همه این رسولان در یک روز از مدینه راهی شدند؛^۵ حال آنکه طبری از هشت فرستاده پیامبر یاد کرده است؛ سپس به ترتیب متن نامه‌های پیامبر^ص به حاکمان روم شرقی و حبشه و ایران را آورده است.^۶ همو این وقایع را ضمن ماه ذی‌الحجه از سال ششم دانسته است^۷ و برخی اوایل سال هفتم هجری را زمان حقیقی ارسال نامه‌ها دانسته‌اند.^۸ مسعودی نیز آورده است: پیامبر

۱ بخاری، همان، ص ۱۱۰۵؛ ترمذی، همان، ص ۷۰؛ مسلم نیشابوری، همان، ص ۹۳۴.

۲ ترمذی، همان، ص ۷۱؛ مسلم نیشابوری، همان، ص ۹۳۴.

۳ ابوعلی محمد بن محمد بلعمی (۱۳۶۸)، *تاریخنامه طبری*، ج ۳، تصحیح محمد روشن، تهران: نشر نو، ص ۵۸۶.

۴ محمد بن سعد کاتب واقفی (۱۳۷۴)، *طبقات*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۱، تهران: فرهنگ و اندیشه، ص ۴۴۸؛ در این کتاب روایات مشابه دیگری نیز در این باره نقل شده که صاحب اول خاتم پیامبر را خالد بن سعید و عمرو بن سعید بن عاص معرفی کرده است (همان، ص ۴۷۷).

۵ همان، ص ۲۴۳.

۶ ابو جعفر محمد بن جریر طبری (۱۳۷۵)، *تاریخ الرسل و الملوك*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۳، تهران: انتشارات اساطیر، صص ۱۱۳۲-۱۱۴۴.

۷ همان، ص ۱۱۳۲.

۸ روایات و مباحث در این باره بسیار است. برای آگاهی بیشتر نک: محسن جعفری مذهب (۱۳۷۲)، «تحقیقی پیرامون

اسلام در ربیع‌الاول سال هفتم به پادشاهان عجم نامه نوشت، اما خاتم خود را کمی پیش‌تر، در محرم همان سال، اختیار کرد.^۱

در همین متون از سرنوشت و سرانجام مهر خاتم، پس از مرگ پیامبر^ص نیز سخن رفته است. بدین ترتیب که خاتم پیامبر^ص ابتدا به ابوبکر، سپس عمر، و نهایتاً عثمان رسید. اینان در واقع چون جانشینان پیامبر و خلیفه‌المسلمین محسوب می‌شدند، انگشتی پیامبر را نیز در دست داشتند و بدان نامه‌ها را مهر می‌کردند. اما خاتم پیامبر از دست عثمان در چاه اَریس (نزدیکی مدینه) افتاد و هرچند آن را جستجو کردند دیگر نشانی از آن بدست نیامد.^۲ همین‌طور گفته‌اند خاتم پیامبر^ص از دست مُعَیْقِب، مهرداد عثمان، در چاه افتاده است.^۳ در هر صورت عثمان این پیشامد را به فال بد گرفت و مهری دیگر نظیر آن ساخت^۴، اما عمرش و خلافتش دیری نپایید کشته شد. در فتوح البلدان به نقل از بکر بن هیشم از عبدالرزاق آمده است: زمانی که این اتفاق افتاد و خاتم پیامبر از دست رفت، نیمی از خلافت عثمان (۲۳-۳۵ق) گذشته بود^۵ و طبری و محمد بن سعد نیز گفته‌اند که عثمان شش سال این خاتم را در دست داشت و بدان نامه‌ها را مهر می‌کرد.^۶ در تاریخ کامل نیز این واقعه ضمن سال سیام هجری بیان شده است.^۷ با این حساب اواسط خلافت عثمان را باید زمان پایان استفاده از خاتم حقیقی پیامبر^ص دانست و از فرامینی سوال کرد که ممه‌ور به این مهر، اما مکاتبات خلفای راشدین بوده است.

ویژگی‌های ظاهری مهر پیامبر^ص

از روایات مهر پیامبر^ص در متون متقدم اسلامی می‌توان دو صفت فنی نخستین مهر اسلامی را

نامهٔ پیامبر (ص) به خسرو پرویز»، میراث جاویدان، س ۱، ش ۴، صص ۹۲-۱۰۱؛ سید محمد محیط طباطبایی (۱۳۵۳)، «نامه‌های مبارک پیامبر بزرگ اسلام محمد بن عبدالله»، گوهر، ش ۲۲، صص ۸۷۶-۸۸۳؛ حمیدالله، همان‌جا؛ احمدی میانجی، همان‌جا.

۱ ابوالحسن علی بن حسین مسعودی (۱۳۸۱)، التنبیه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی فرهنگی، ص ۲۳۸.
۲ مسلم نیشابوری، همان، ص ۹۳۳؛ بخاری، همان، صص ۱۰۴ و ۱۰۶؛ ترمذی، همان، ص ۷۲؛ بلاذری، همان، صص ۳۶۵-۳۶۶، ابن خلدون، همان، ج ۱، ص ۵۰۵؛ طبری، همان، ج ۵، ص ۲۱۳۳.
۳ ترمذی (۱۳۸۶)، همان، ص ۷۵.

۴ از عیدالله بن موسی نقل شده که خط و نقش این مهر را علی (ع) نوشته است (محمد بن سعد، همان، ج ۱، ص ۴۴۹)؛ گویا این مهر نیز بلافاصله پس از مرگ عثمان مفقود شده است (طبری، همان، ج ۵، صص ۲۱۳۳-۲۱۳۴).
۵ بلاذری، همان، ص ۳۶۶.

۶ طبری، همان، ج ۵، ص ۲۱۳۳؛ محمد بن سعد، همان، ج ۱، ص ۴۴۹.
۷ عزالدین بن اثیر (۱۳۷۴)، تاریخ کامل، ترجمه سید حسین روحانی، ج ۴، تهران: انتشارات اساطیر، ص ۱۶۴۱.

شناخت: یکی اینکه مهر خاتم از چه نوعی بود؛ دیگر اینکه جنس آن چه بود. از آنجا که غالب منابع گفته‌اند پیامبر^ص مهر خود را همیشه در انگشت داشت و خلفا نیز آن را در دست می‌کردند، قطعاً مهر ایشان از نوع مهر- انگشتری‌ها بوده است.^۱ اما درباره جنس این مهر اختلافاتی هست؛ چنانکه خاتم پیامبر را از آهن،^۲ مس،^۳ نقره،^۴ مس با نگین حبشی،^۵ نقره با نگین حبشی،^۶ آهن با نگین نقره (یا نقره‌نشان)،^۷ حتی طلا^۸ نیز گفته‌اند. روایتی نیز هست که پیامبر^ص ابتدا خاتمی از آهن و سپس مس گرفت، اما هر بار جبرئیل او را از آن بازداشت؛ تا اینکه او خاتمی از نقره برای خود برگزید.^۹ در میان این گفته‌ها شهرت خاتم سیمین پیامبر^ص بیشتر است.

همچنین آورده‌اند که شکل خاتم پیامبر^ص مدور و عبارت روی آن «محمد رسول الله» بوده است.^{۱۰} گویا این عبارت در سه سطر، و هر کلمه در یک سطر نوشته و حکاکی شده بود.^{۱۱} در تحفه خطاطین نیز آمده است که سجع مهر پیامبر^ص، خلاف معمول، از راست نوشته و حکاکی شده بود و اثر آن بر مکتوبات نیز همچنان از راست به چپ نقش می‌پذیرفت و این

۱ البته در روایت غیر مشهور دیگری صریحاً ذکر شده که پیامبر(ص) مهر خود را در انگشت نمی‌کرده است (ترمذی، همان، ص ۷۰؛ محمدبن سعد، همان، ج ۱، ص ۴۶۸).

۲ بخاری، همان، ص ۱۱۰۵.

۳ همان، صص ۱۱۰۵-۱۱۰۶؛ مسلم نیشابوری، همان، صص ۹۳۳-۹۳۴.

۴ محمدبن سعد، همان، ج ۱، صص ۲۴۳ و ۴۴۵-۴۴۶؛ ترمذی، همان، صص ۶۹-۷۲؛ بخاری، همان، صص ۱۱۰۴-۱۱۰۶؛ مسلم نیشابوری، همان، ص ۹۳۴؛ بلاذری، همان، ص ۳۶۵؛ مسعودی، همان، ص ۲۷۰؛ ابن خلدون، همان، ج ۱، ص ۵۰۵؛ گردیزی، همان، ص ۱۱۲.

۵ مسلم نیشابوری، همان، ص ۹۳۵.

۶ محمدبن سعد، همان، ج ۱، ص ۴۴۵؛ ترمذی، همان، ص ۶۹؛ مسلم نیشابوری، همان، ص ۹۳۵؛ بلاذری، همان، ص ۳۶۵.

۷ محمدبن سعد، همان، ج ۱، صص ۴۴۶-۴۴۷.

۸ بخاری، همان، صص ۱۱۰۴-۱۱۰۶؛ مسلم نیشابوری، همان، صص ۹۳۲-۹۳۳؛ محمدبن سعد، همان، ج ۱، صص ۴۴۴ و ۴۴۶؛ ترمذی، همان، ص ۷۶.

۹ طبری، همان، ج ۵، صص ۲۱۳۲-۲۱۳۳؛ ابن اثیر، همان، ج ۴، ص ۱۶۴۱.

۱۰ بخاری، همان، صص ۱۱۰۵-۱۱۰۶؛ مسلم نیشابوری، همان، صص ۹۳۳-۹۳۴؛ محمدبن سعد، همان، ج ۱، صص ۲۴۳، ۴۴۵-۴۴۸؛ ابن اثیر، همان، ج ۴، ص ۱۶۴۱؛ طبری، همان، ج ۵، ص ۲۱۳۳؛ بلاذری، همان، صص ۳۶۵-۳۶۶؛ مسعودی، همان، ج ۱، ص ۲۳۸. در طبقات الکبیر دو عبارت «بسم الله، محمد رسول الله» و «صدق الله ثم الحق الحق بعده، محمد رسول الله» نیز برای سجع خاتم پیامبر ص روایت شده است (محمدبن سعد، همان، ج ۱، صص ۴۴۷-۴۴۸)؛ اما مشهور نیست و کم‌تر مورد اعتماد است.

۱۱ محمدبن سعد، همان، ج ۱، ص ۴۴۷؛ بخاری، همان، ص ۱۱۰۶؛ ترمذی، همان، صص ۷۰-۷۱؛ بلاذری، همان، ج ۱، ص ۳۶۶؛ ابن اثیر، همان، ج ۴، صص ۱۶۴۱-۱۶۴۲؛ طبری، همان، ج ۵، ص ۲۱۳۳.

مسئله اعجاز مهر خاتم به‌شمار می‌رفت.^۱

تأثیر مهر پیامبر در آداب دیوانی و مهرنویسی اسلامی

همان‌طور که پیش از این نیز آمد، در سجع مهر پیامبر^ص کمتر اختلافی هست. این نکته شاید بدان معنا باشد که پیامبر^ص صرفاً یک مهر خاتم داشته است و تنها از آن در نقش کردن نامه‌ها و مکاتبات استفاده می‌کرده است. از طرفی هنوز به‌درستی مشخص نیست که پیامبر^ص همه نامه‌های خود را ممهور می‌کرد یا صرفاً آن‌هایی را که به ممالک عجم می‌نوشت. همین‌طور نامعلوم است که خلفای راشدین چگونه و برای چه نامه‌هایی از این خاتم استفاده می‌کردند؛ به ویژه آنکه سجع‌های متفاوتی برای مهر و انگشتی اینان نقل شده است.^۲ نمونه‌هایی که گاه اختلافاتی نیز باهم دارد و اصل یا اثر اصیل آن‌ها هیچگاه بدست نیامده است. تنها در *التنبیه و الاشراف* - ضمن اشاره به سجع انگشتی هریک از خلفا و تصریح اینکه آن‌ها انگشتی خاص خود داشته‌اند - از بدلی که عثمان جای خاتم پیامبر^ص ساخت با عنوان «خاتم معمول خلافت» یاد شده است.^۳

اینکه دستگاه دیوانی صدر اسلام چگونه اداره می‌شد و نیز تا چه اندازه وسعت داشت، هنوز برای محققان به‌طور کامل روشن نشده است، اما احتمالاً ضرورت شکل‌گیری آن برای نخستین بار در دوره خلیفه دوم - با گسترش فتوحات اسلامی - احساس شده باشد. دستگاهی که در تاریخ بیشتر با «دیوان‌الخاتم» شناخته می‌شود و گویا زیاده‌بازی، حاکم کوفه و بصره، آن را از دستگاه دیوانی ساسانی اقتباس و در دربار امویه اجرا کرده است.^۴ با این همه اگر خاتم پیامبر^ص را در مقام نخستین مهر اسلامی بپذیریم، استفاده از آن را نیز می‌توانیم مقدمه تشکیلات رسمی دیوانی و اداری اسلامی برشماریم.

وصف اجزای مهر خاتم در متون متقدم اسلامی نیز مبین نکاتی است که ظاهراً باید در بررسی آداب مهرنویسی اسلامی مورد توجه قرار گیرد. مانند این نکته که در مهر پیامبر^ص

۱ مستقیم‌زاده، سعدالدین سلیمان افندی (۱۹۲۸م). *تحفه خطاطین*، تصحیح محمود کمال، استانبول: دولت مطبعه‌سی، ص ۶۰۶. به‌طور معمول عبارت مهر را از چپ به راست نوشته و حکاکی می‌کنند تا اثر آن بر کاغذ و مکتوبات راست بیفتد.

۲ نگاه کنید به: محمد طه الولی (۱۳۴۶)، «از انگشتی تا مهر»، ترجمه محمود لواسانی، *الدراسات الأدبیه*، س ۹، ش ۲۱، صص ۱۰۴-۱۱۸.

۳ مسعودی، همان، ص ۲۷۰.

۴ بلاذری، همان، ص ۳۶۸.

برای نخستین بار از نوشتار جای تصویر استفاده شده است. این در حالی است که دست کم تا نیم سده بعد از ظهور اسلام هنوز محتوای مهر رجال و حاکمان مسلمان - متأثر از نمونه مهرهای بیزانسی و ساسانی - با نشانه‌هایی مصور همراه بوده است؛^۱ حتی نخستین سکه‌های تمام‌متن اسلامی نیز در دوران حکومت خلیفه عبدالملک بن مروان (۶۵-۸۶ق) - با فاصله‌ای بیش از شصت سال پس از ساخت مهر خاتم - ضرب شده است.^۲ یا این نکته که سه‌سطری نوشتن عبارت روی مهر پیامبر^ص از جمله ویژگی‌های رایج در مهرنویسی اسلامی در سده‌های نخستین، حتی دوران بعد از آن بوده است.

مشهور است که چون پیامبر^ص خاتم گرفت و در دست کرد، دیگران را از ساخت مهر و انگشتری‌های مشابه آن بیم داد.^۳ این کار شاید بدین علت بود که صحابه و اطرافیان پیامبر^ص به رسم تبرک و تیمن، انگشتری‌هایی با سجع خاتم پیامبر، برای خود می‌ساختند و البته سوء استفاده‌های احتمالی با مکاتبات جعلی به نام پیامبر را نیز باید در نظر داشت. در هر صورت و همان‌طور که پیش‌تر نیز گفتیم، پس از وفات پیامبر^ص خلفای راشدین نه تنها این خاتم را به نشانه نیابت و خلافت در دست داشتند، که نامه‌ها و مکتوبات خود را با آن مهر می‌کردند؛ حتی وقتی که این مهر در چاه افتاد، نظیرش را ساختند و در خبر هست که سنت استفاده از سجع متبرک خاتم پیامبر^ص در مهرهای خلافت تا دارالخلافة عباسی در بغداد نیز تداوم داشته است.^۴

این مسئله بارها و هر نوبت به‌نوعی در تاریخ تمدن اسلامی تکرار شده است؛ مثلاً سلطان علاءالدین در مواجهه با مهر مصور زمردین خزانه خود، به‌عقاب استادی را گفته و فرمان داده بود که صورت تخت و شاه و شیر و مرغ روی این نگین لایق شعائر اسلام نیست و همان اول‌تر که جای آن عبارات «لا اله الا الله» و «محمد رسول الله» نقش شود.^۵ شعائری که این حاکم بر این زمرد لایق می‌دانست درست همانی است که چندی بعد با اسلام آوردن غازان برای مهرهای او پیشنهاد شده بود.^۶ گویا امیر نوروز با این پیشنهاد می‌خواست در محتوای مهر

۱ نگاه کنید به: Soucek, 2002, pp 237-259.

۲ سکه و مهر در تمدن اسلامی از جهات بسیاری به هم نزدیک‌اند و وجوه مشابهی در آن‌ها لحاظ شده است.

۳ محمد بن سعد، همان، ج ۱، صص ۴۴۷-۴۴۸؛ ترمذی، همان، ص ۷۵؛ بخاری، همان، ص ۱۱۰۶؛ مسلم نیشابوری، همان، ص ۹۳۳؛ بلذری، همان، ص ۳۶۵.

۴ ابوالحسن هلال بن محسن صابی (۱۳۴۶)، رسوم دارالخلافة، تصحیح و حواشی میخائیل عواد، ترجمه محمد رضا شفیع کدکنی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ص ۱۰۴.

۵ خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۴۸)، تنسوخ‌نامه / یلخانی، با مقدمه و تعلیقات مدرس رضوی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ص ۹۳.

۶ رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۸۸)، تاریخ مبارک غازانی، به اهتمام کارل یان، تهران: انتشارات پرسش، ص ۹۶.

ایلخان تغییر صورت دهد؛ صورتی که اگر در مهر غازان تغییر نکرده یا شاهدش تاکنون به دست نرسیده لااقل به وضوح در مهر و مسکوکات اخلاف او بازتاب داشته است.^۱

محتوای مهرها عمدتاً مبین هویت حقیقی یا حقوقی صاحبانشان بوده است؛ از این رو انتخاب عبارت روی مهرها از امور مهم دیوانی به شمار می‌رفته است. این انتخاب ظاهراً متنوع بوده است، اما همیشه اصولی در آن لحاظ شده است؛ از جمله این اصول استفاده از عبارت نام صاحب مهر در روی مهر بوده است. عبارت نام در مهر پیامبر^ص در قالب یک شعار بیان شده است. شعاری که متضمن نام و یاد و یگانگی خداوند نیز بوده است. همین ویژگی را جزو شباهت‌های میان عبارت مهرهای واپسین ساسانی و نخستین اسلامی دانسته‌اند؛^۲ و شگفتا که به طور ضمنی در تاریخنامه طبری نیز آمده است: چون پیامبر^ص نام خداوند را بر اثر مهر روی نامه‌های حکام عجم ملاحظه کرد، فرمود تا بر مهر او عبارت «محمد رسول الله» را نقش کنند.^۳ در هر صورت، چندی بعد این عبارت در همین مهر-هنگامی که خلفای راشدین از آن استفاده می‌کردند و بدان مکاتباتشان را مهور می‌ساختند- صرفاً شعاری مذهبی و متبرک بوده و دیگر مصداق نام صاحب مهر نبوده است.

استفاده از شعائر اسلامی عمدتاً به عنوان بخش جنبی عبارت مهرها به کار رفته است؛ با این حال هیچ‌گاه فراموش نشده و از رونق نیفتاده است. ذکر نبوت - همراه ذکر توحید- از مهم‌ترین و متداول‌ترین این شعارهاست و البته تنها مختص مهرها نیست. این ذکر، به‌ویژه در مهرهای متأخر اسلامی، اشکال و انحاء گوناگون یافته است و ظهور شعر و شعارهای فارسی در سجع‌گزینی مهرهای اسلامی یکی از علل اقبال به این رویه و رفتار بوده است؛ مثلاً از نخستین نمونه‌های منظوم سجع فارسی در مهرهای اسلامی با بیت زیر یاد شده است:

آنکه دارد مهر مصطفی بر جسم و جان بنده شاه ولایت رستم مقصودخان^۴

۱ از غازان تاکنون تنها اثر یک مهر شناخته شده است. این مهر به زبان ایغوری است و ساخت آن احتمالاً مربوط به زمانی است که او هنوز مسلمان نبود. نگاه کنید به: جهانگیر قائم‌مقامی (۱۳۵۰)، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی. تهران: انجمن آثار ملی، ص ۳۵۱.

2 Gignoux, Ph and L.Kalus(1982). "Les formules des sceaux, cammes, et islamiques: Continuite ou mutation? Melanges offerts a Raoul Curiel", *Studia Iranica*, 11, p 152.

۳ بلعمی، همان، ج ۳، ص ۵۸۶.

۴ محمدطاهری‌شهاب (۱۳۴۴)، «سجع مهر سلاطین و شاهزادگان و صدور ایران»، وحید، ش ۲۰، ص ۴۳. این عبارت سجع مهر رستم‌بیگ بن مقصود بن اوزون حسن، از سلاطین آق‌قویونلو، بوده است و نخستین نمونه شناخته شده تاکنون از مهرهای اسلامی با شعار منظوم فارسی به حساب می‌آید (نگاه کنید به: قائم‌مقامی، همان، ص ۳۵۷).

بیان رسالت و خاتمیت، ابراز ارادت و محبت به پیامبر^ص، شفیع خواستن او و مواردی مشابه را می‌توان جزو شایع‌ترین مضامین عبارت شعار در مهرهای این‌چنینی دانست. این تأثیر و فراگیری به حدی است که در آداب مهرنویسی اسلامی نیز تأثیر گذاشته است. بدین ترتیب که رعایت تقدم و تأخر اجزای عبارت مهرها در ترکیب هر مهر اصلی بلامنازع است؛ با این حال نام پروردگار و پیامبر از این قاعده مستثنی شده است و من باب احترام باید نام آن‌ها را - در هر کجا که باشد - به بالای ترکیب انتقال داد؛ آن‌طور که در کنز/لاکتساب، تنها رساله شناخته‌شده درباره آداب مهرنویسی و حکاکی، نیز بر این نکته تصریح شده است:

در خواندن ترکیب ز مصرع درست است باید نکنی زیر و زیر لفظ [و] پس و پیش
تعظیم خداوند و پیمبر شه عالم بر توست که بالا کنی اش جای، تو از خویش^۱

نتیجه‌گیری

در متون متقدم اسلامی مکرراً از خاتم پیامبر^ص و اوصاف آن سخن به میان آمده و این نکته روشنگر اهمیت این مهر در تاریخ و تمدن آغازین اسلامی است. گفته‌ها در این باره متنوع است؛ حتی با اختلاف‌ها و تناقض‌هایی همراه است. با این همه از روی اطمینان می‌توان گفت که ضرورت اختیار و استفاده پیامبر از مهر، یک علت بیشتر نداشت و آن عدم پذیرش و اعتنا به نامه بدون مهر و موم در میان اهالی غیر عرب بود؛ حتی اگر این نامه از سوی پیامبر اسلام و دعوت‌نامه مسلمانان او باشد. اذعان این نکته تقریباً قول متفق همه راویان است.

رسالت پیامبر، او را واداشت تا نامه‌هایی به حکام ولایات و تمدن‌های اطراف بنویسد و آن‌ها را مهر کند. اقدامی که ضمن احترام به رسوم دیوانی سرزمین‌های همجوار، می‌تواند از نخستین نشانه‌های تأثیرپذیری مسلمانان از دستگاه دیوانی این تمدن‌ها، به‌ویژه دربار ساسانی و بیزانس، به‌شمار آید؛ سخنی که در میان محققان بسیار مشهور نیز هست و شگفت‌تر آنکه مهم‌ترین نامه‌های پیامبر نیز به این دو ملک فرستاده شده است.

از طرفی به نظر می‌رسد قول آغاز نامه‌های پیامبر اسلام به حاکمان اطراف (یعنی اواخر سال ششم یا اوایل سال هفتم هجری) را بتوان به پیدایی مهر پیامبر^ص نیز تعمیم داد. تاریخی که

۱ رحمتی بن عطاءالله (۱۳۸۷)، کنز/لاکتساب (در فن مهرکشی و هنرهای وابسته). تصحیح عارف نوشاهی و با همکاری اقصی ازور، ضمیمه ۱ نامه بهارستان، ص ۳۹.

در واقع سرآغاز استفاده از مهر در امور دیوانی و دستگاه رسمی حکومت اسلامی محسوب می‌شود و از همین رو اهمیتی سزاوار دارد. سرانجام این مهر نیز به واقعه افتادن آن از دست عثمان در چاه اریس (حدود سال سی هجری) می‌رسد؛ سخن دیگری که تقریباً همه راویان و مورخان یکسان روایت کرده‌اند. با این حال تأثیر این مهر هیچ‌وقت از آداب مهرنویسی اسلامی بیرون نرفت.

منابع و مآخذ

- ابن اثیر، عزالدین (۱۳۷۴)، تاریخ کامل، ترجمه سید حسین روحانی، ج ۴، تهران: انتشارات اساطیر.
- ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۳۷۱)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن سعد، محمد بن کاتب واقفی (۱۳۷۴)، طبقات، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۱، تهران: فرهنگ و اندیشه.
- احمدی میانجی، علی (۱۳۷۶)، مکاتیب الرسول، ج ۴، قم: موسسه فرهنگی دارالحديث.
- افندی، مستقیم‌زاده سعدالدین سلیمان (۱۹۲۸م)، تحفه خطاطین، تصحیح محمود کمال، استانبول: دولت مطبعه‌سی.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۴۶)، فتوح البلدان (بخش مربوط به ایران)، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- البخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۴ق)، صحیح البخاری، تصحیح محمد فواد عبدالباقی، بیروت: دار ابن حزم.
- بلعمی، ابوعلی محمد بن محمد (۱۳۶۸)، تاریخنامه طبری، ج ۳، تصحیح محمد روشن، تهران: نشر نو.
- ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی (۱۳۸۶)، شمائل النبی، ترجمه و تحشیه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نی.
- جعفری مذهب، محسن (۱۳۷۲)، «تحقیق پیرامون نامه پیامبر (ص) به خسرو پرویز»، میراث جاویدان، س ۱، ش ۴.
- حمیدالله، محمد (۱۳۶۵)، وثائق (نامه‌های حضرت ختمی مرتبت و خلفای راشدین)، ترجمه و تحشیه محمود مهدوی دامغانی، تهران: بنیاد.
- خطیب بغدادی، ابوبکر احمد (۱۳۴۹ق)، تاریخ بغداد أو مدینه الاسلام، ج ۱، بیروت: دار الکتب العربی.
- خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۴۸)، تنسیخ‌نامه ایلخانی، با مقدمه و تعلیقات مدرس رضوی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- خیام نیشابوری، حکیم عمر (۱۳۸۰)، نوروزنامه، تصحیح و تحشیه مجتبی مینوی، تهران: انتشارات اساطیر.
- رحمتی بن عطاءالله (۱۳۸۷)، کنز الاکتساب (در فن مهرکشی و هنرهای وابسته)، تصحیح عارف نوشاهی و با همکاری اقوی ازور، ضمیمه ۱ نامه بهارستان.
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۸۸)، تاریخ مبارک غازانی، به اهتمام کارل یان، تهران: پرش.
- صابی، ابوالحسن هلال بن محسن (۱۳۴۶)، رسوم دارالخلافه، تصحیح و حواشی میخائیل عواد، ترجمه

- محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- طاهری شهاب، محمد (۱۳۴۴)، «سج مهر سلاطین و شاهزادگان و صدور ایران»، وحید، ش ۲۰.
 - طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۷۵)، *تاریخ الرسل و الملوک*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۳ و ۵، تهران: انتشارات اساطیر.
 - قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۵۰)، *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*. تهران: انجمن آثار ملی.
 - قوچانی، عبدالله (۱۳۷۴)، «در حاشیه نامه پیامبر به خسرو پرویز» میراث جاویدان، ش ۹.
 - ----- (۱۳۸۵)، «قدیم‌ترین مهر نوشته‌دار دوران اسلامی از یک حاکم ساسانی»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، ۲۰، ۱.
 - گردیزی، عبدالحی (۱۳۶۳)، *تاریخ گردیزی (زین الاخبار)*، تصحیح و تحشیه عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
 - محیط طباطبایی، سید محمد (۱۳۵۳)، «نامه‌های مبارک پیامبر بزرگ اسلام محمد بن عبدالله» گوهر، ش ۲۲.
 - مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۸۱)، *التنسیه و الاشراف*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی فرهنگی.
 - مسلم نیشابوری، ابن حجاج (۱۴۲۳ق)، *صحیح مسلم*، تصحیح محمد فواد عبدالباقی، بیروت: دار ابن حزم.
 - الولی، محمد طه (۱۳۴۶)، «از انگشتی تا مهر»، ترجمه محمود لواسانی، *الدراسات الادبیة*، س ۹، ش ۱ و ۲.
 - Fry, R N (1973). *Sasanian Remains from Qasr-i Abu Nasr: Seals, Sealins and Coins*, Cambridge: Harvard University Press.
 - Gignoux, Ph and L.Kalus (1982). "Les formules des sceaux, cammes, et islamiques: Continuïte ou mutation? Melanges offerts a Raoul Curiel", *Studia Iranica*, 11: 123-53.
 - Kalus, Ludvik (1986). *Catalogue of Islamic seals and talismans*, Oxford: Oxford University press (Clarendon Press).
 - Morton, A H (1985). *A catalogue of early Islamic glass stamps in the British Museum*, London: British Museum.
 - Porter, Venetia (2011). *Arabic and Persian Seals and Amulets in the British Museum*, London: British Museum Press.
 - Soucek, Priscilla (2002). "Early Islamic seals: Their Artistic and cultural Importance", *Leaving No Stones Unturned: Essays on the Ancient Near East and Egypt*, in Honor of Donald P. Hansen, 237-259.
 - Wenzel, Marian (1993). *Ornament and Amulet, Rings of the Islamic World. The Nasser D. Khalili Collection of Islamic Art*, Vol. 16. London and Oxford: The Nour Foundation, Azimuth Editions, and Oxford University Press.